

نگاهی به فرهنگ و هنر ایران زمین

مهدی نمازی

www.ketab.ir

سرشناسه	: نمازی، مهدی، ۱۳۶۴-
عنوان و نام پدیدآور	: نگاهی به فرهنگ و هنر ایران زمین / نویسنده مهدی نمازی؛ با مقدمه فاروق صفی زاده.
مشخصات نشر	: تهران: ایران جام، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۴ص.
شابک	: 978-622-7392-24-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۹۱-۱۹۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: فرهنگ ایرانی -- تاریخ -- پیش از اسلام * -- To 644 Culture, Iranian -- History هنر -- ایران -- تاریخ -- پیش از اسلام -- Iran -- History -- To 622 Art
موضوع	: ایران -- تمدن -- پیش از اسلام To 633 -- Civilization -- Iran
شناسه افزوده	: صفی زاده، فاروق، ۱۳۴۶-، مقدمه نویس
رده بندی کنگره	: ۱۴۲DSR
رده بندی دیویی	: ۰۱/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۸۴۶۱۵۰
اطلاعات کنترل کتابشناسی	: فیپا



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
(مرکز نشر و پژوهش های ایران شناسی)

نام کتاب: نگاهی به فرهنگ و هنر ایران

نویسنده: مهدی نمازی

با مقدمه ی دکتر فاروق صفی زاده

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات ایران جام

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

سال چاپ: ۱۴۰۱

نوبت چاپ: نخست

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۹۲-۲۴-۱

تهران. صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۳۱۷۱

سازمان چاپ و انتشارات ایران جام

(مرکز نشر و پژوهش های ایران شناسی)

فهرست

مقدمه	۱۱
ایران، خورشیدی فروزان بر تارک جهان	۱۱
فرهنگ و فلسفه تاریخ ایران	۱۳
۱. فرهنگ در ادبیات ایران	۱۳
۲. بنیاد فرهنگ در فلسفه تاریخ ایران باستان	۲۰
بزرگ‌ترین میراث‌دار تاریخ‌ایم	۳۳
هخامنشیان	۴۰
سیاست‌های اقتصادی	۴۶
اشکانیان	۵۳
ساسانیان	۵۹
دانش و فلسفه جهان از ایرانیان است	۶۳
گذار یکتاپرستی ایرانیان به یونان	۷۰
نگاه همگان به فلسفه زرتشت	۷۲
ارج نهادن به راستی و درستی	۷۶
نشانگذاری دوگانگی زرتشتی و مانوی بر باورهای دینی و فلسفی	۷۷
نوبین اروپا	۷۷
هنر ایران باستان	۷۸
هنر و هنرورزی در ایران باستان	۹۷

- ۱۱۰ سنگ تراشی های روزگار هخامنشی - پارتی و ساسانی
- ۱۱۳ گذار هنر ایران در هنر یونان
- ۱۱۷ گذار هنر ایران بر هنر روم خاوری
- ۱۱۹ موزیک سازی و نگارگری آن در ایران
- ۱۱۹ سنگ مرمرهای تراشیده شده
- ۱۲۱ هنر نگارگری و نشانگزاری ایران در نگارگری جهان
- ۱۲۲ مینیاتورهای ایرانی
- ۱۲۴ گذار هونیاک ایران در هونیاک نگاهی جهان
- ۱۲۶ نشانگزاری و گذار هونیاک کاربرد ایران در کشورهای باختر زمین
- ۱۲۹ ایرانیان نخستین پدیده آورنده برق در جهان هستند
- ۱۳۳ شعر و ادبیات و هونیاک در ایران باستان
- ۱۴۰ شاها خدا یگانا بآفرین شاهی
- ۱۴۴ نشانگزاری ادب و فرهنگ ایران بر مردمان باختری
- ۱۴۶ روزگار زندگی زرتشت و همبستگی آن با نزدیک به ۱۲ هزار سال
- ۱۴۶ تاریخ شعر ایرانی
- ۱۴۸ افلاتون
- ۱۴۸ اگزان توس
- ۱۴۹ دیوژنس لرتیوس
- ۱۴۹ تنوپومپوس
- ۱۵۰ پلی نیوس
- ۱۵۰ پلوتارخوس
- ۱۵۱ سوئیداس
- ۱۵۱ بارون بون سن

۱۵۱	ولتر
۱۵۲	اسپن سر
۱۵۸	نشانگزاری و گذار ادبیات ایران بر مردمان خاوری
۱۶۰	گذار ادبیات ایران بر ادبیات تازیان
۱۶۳	فرهنگ و تمدن عصر هخامنشی
۱۶۳	تعلیم و تربیت
۱۶۵	زبان و خط دوره هخامنشی
۱۶۷	دانش گرایی در عهد هخامنشی
۱۶۹	جلب دانشمندان
۱۷۰	حوزه های علمی و محافل فرهنگی
۱۷۱	مدارس و دانشکده ها
۱۷۱	طب
۱۷۲	کتابخانه ها، سالنامه ها
۱۷۳	نجوم و هیئت
۱۷۴	دین و معتقدات
۱۷۸	آیین مزدیسنا
۱۷۹	زردشت و رفرم مذهبی
۱۸۱	اخلاق
۱۸۳	هنر عصر هخامنشی
۱۸۶	آثار تاریخی
۱۸۷	کتیبه ها
۱۹۱	منابع

مقدمه

ایران، خورشیدی فروزان بر تارک جهان

ایران زمین، یکی از کشورهای بسیار باستانی است که دارای تمدنی بس کهن می باشد که بر اساس متون باستانی و تاریخی، تمدن و فرهنگ و هنر اولیه بشری از ایران به سایر ممالک از جمله مصر و یونانی و چین و هند صادر شده است. اسناد و مدارک علمی وجود این ادعا را به ثبوت می رساند.

همه ی علمای باستان شناس و مردم شناس و پژوهشگران و تاریخ نگاران مشهور دنیا هم صدا نظر می دهند که تمدن و فرهنگ و هنر از منطقه ی خاورمیانه سرچشمه گرفته که ایران سهمی بزرگ را به عهده داشته است.

آن چه مهم است این که ایرانیان در کتاب های تاریخ باستانی خود، کشف و ترقی همه ی فنون و صنایع را به پادشاهان باستانی خود نسبت می دادند، زیرا در ایران باستان، مردم خودبینی اروپاییان را نداشتند و مثل یونانیان در هر اختراعی با کمال صراحت نام و نشان خود را به جای

نمی‌نهادند و همه و هر چه بود به نام کشور و معابد خود ثبت می‌کردند. دعا هم که می‌کردند شرط ادب این بود که برای همه‌ی مردم کشور خود دعا کنند زیرا خودشان هم یکی از همین مردم بودند.

جهان‌بینی ایرانی در هزاران سده پیش از میلاد با پیوندهای نظامی سیاسی و فرهنگی که بعدها میان ایران و یونان برقرار گشت، در بستر نوینی جریان یافت. اکنون به تحقیق معلوم شده است که عناصری از جهان‌شناسی مغانی در اندیشه‌ها و نظریات فیلسوفانی چون هراکلیت، فیثاغورت، امپدوکل، سقراط و افلاطون تأثیر عمیق داشته است. پندار اصل مادی را اجداد آغازین جهان که در نزد تالس «آب»، برای انکسیندر «آپرون»، در نظر انکیفتس «هوا»، و برای هراکلیتوس «آتش» بود، در اندیشه‌ی امپدوکل «انبادقلس» یافت و همو بود که عناصر چهارگانه‌ی آب و آتش و هوا و خاک را مواد بنیادین گشتی دانست و دو اصل «مهر» و «کهین» را بر روند پدیدارها حاکم ساخت. اینک بسیاری از پژوهشگران تاریخ علم برآنند که عناصری از جهان‌بینی زردشتی در تکوین نظریات امپدوکل (انبادقلس) مؤثر بوده است.^۱

آموزه‌ی تشابه و تناظر مهجهان و کهجهان که در بالا بدان اشارت رفت، همراه با بسیاری دیگر از عناصر جهان‌بینی مغانی به اندیشه‌های سقراط و افلاطون راه یافت. انکیمنس در نظریه‌ی تناظر نقش «باد» در طبیعت و «نفس» در بدن آدمی و بقراط طبیعت یونانی نیز از مفهوم تشابه کهجهان و مهجهان تأثیر عمده‌ای گرفتند، تأثیری که یقیناً از اندیشه‌های مغانی بدان‌ها رسیده بوده است. قرابت اندیشه‌های هراکلیت فیلسوف یونانی سده‌ی پنجم پیش از میلاد با جهان‌بینی زردشتی آن چنان زیاد است که تصور

۱. تأثیر فرهنگ و جهان‌بینی ایرانی بر افلاطون، استفان پانوسی، ص ۲۴ و ۲۵.

تکوین مستقل آن افکار بسیار نامتحمل می‌نماید. هراکلیت به پیروی از زردشت، جهان را صحنه‌ی کشاکش اضداد و مشعون از تحول و تغییر می‌دانست، اما به زعم این بنابر آیین مغانی بر قانون‌مندی جهان و وجود یک «عقل» و یا «لوگوس» اعتقاد داشت. از این روی سرچشمه‌های دیالکتیسم در جهان‌بینی علمی را باید در زمان‌هایی بس دورتر از عهد هراکلیت و در فرهنگ ایرانی جستجو کرد.

رشته‌هایی از عناصر فکری زردشتی پس از سیلان در بستر فرهنگ یونانی به مکاتب اسکندرانی راه یافت و پس از امتزاج با سایر مشرب‌ها به صورت افکار رواقی، نوافلاطونی متبلور گشت. در ازنای سده‌های موسوم به «قرون وسطا» در فرهنگ‌های غربی جهان‌بینی‌هایی چند که از این منابع الهام می‌گرفتند پدید آمدند و تا سده‌ی چهاردهم میلادی تداوم یافتند. پندارهای جهان کبیر و جهان صغیر و این‌که طبیعت از عناصر چهارگانه تشکیل یافته و مزاج مردمان با طبایع این عناصر مرتبط است، را در سیستم‌های جهان‌شناسی سده‌های وسطایی در اروپا و در شرق اسلامی به خوبی باز توان شناخت.

فرهنگ و فلسفه تاریخ ایران

۱. فرهنگ در ادبیات ایران

در آثار واژه‌شناسان پارسی زبان، فرهنگ «درختی را گویند که آن را بخوابانند و خاک بر زیر آن بریزند تا بیخ بگیرد و باز آن را کنده به جانی دیگر نهال کنند.» ارزش‌های نیرومندی که سرشت جامعه یا ملتی را تشکیل می‌دهد، مانند درختی است که در امور مادی و معنوی مردم ریشه دارد که به تدریج بیخ می‌گیرد و مانند آداب و آیین مخصوص اجتماعی

نمایان می‌گردد. امور زودگذر به زودی همه فراموش می‌شود و آنچه ریشه دارد باقی می‌ماند که «فرهنگ» نام دارد. بنابراین «فرهنگ مجموعه معارفی است که با روح جامعه‌ای مخصوص سازگار است و زندگی اجتماعی گروهی از مردم را معین می‌سازد.» هر جامعه و ملتی با چنین معارفی که دارد از سایرین مشخص می‌گردد و فرهنگ مخصوص خود را تشکیل می‌دهد. همان‌طور که استعداد رشد هر درختی با آب و هوای معینی بستگی دارد و در هر اقلیمی هر گونه گیاهی نمی‌روید، ارزش‌های فرهنگی نیز در هر جامعه تغییر می‌کند و فرهنگ ملت‌ها با یکدیگر یکسان نیست. درین مورد می‌توان از گرشاسب نامه مثال آورد:

درختی است کوشادی آرد همی

و ز او میوه فرهنگ بارد همی

فرهنگ نام «شخص» است، همچنین کتابی را گویند که مشتمل باشد بر واژه‌های پارسی و غیره. فرهنگ فلسفه و ادب و حکمت است، چنان‌که در «اقبالنامه» حکیم نظامی گنجوی آمده است:

به هر مدتی فیلسوفان روم

فراهم شدندی ز هر مرز و بوم

بر آراستندی به فرهنگ و رای

سخن‌های دل پرور و جانفزای

ارسطو کجا تا به فرهنگ و رای

پروتم جهاندا از این سنگنای

فرهنگ دانش و صنعت است و هر که را در علوم و صنایع مهارتی باشد گویند فرهنگی است.